



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

هر سال نوزدهم دی را همه ی ملت ایران، بخصوص مردم عزیز و بابصیرت قم، همچون يك مقطع تاریخی گویا و زبانداری، به رخ مستکبران عالم میکشند. جا هم دارد؛ حقیقتاً هم حادثه ای مثل نوزدهم دی، به رخ دشمن کشیدنی است.

این حادثه از ابعاد مختلفی قابل توجه و تأمل است: هم بصیرت در این حادثه موج میزند، هم موقع شناسی، هم دشمن شناسی، هم مجاهدت و اقدام و فداکاری؛ اینها ابعاد این حادثه ی عظیمی است که در نوزدهم دی سال 56 - یعنی سی و دو سال قبل - به وقوع پیوسته است. از طرف دیگر، همین حادثه، مبدأ يك تحول، يك حرکت، يك جریان عظیم و جهتداری در ملت ایران شد. پس حادثه، حقیقتاً حادثه ی مهمی است. آن روز هم تأثیر گذاشت؛ امروز هم که شما یاد آن حادثه را و یاد شهدای روحانی و غیر روحانی آن حادثه را گرامی میدارید، باز تأثیر میگذارد؛ درس میدهد، بصیرت میدهد و جهت حرکت را به ما نشان میدهد.

روزهای سال، به طور طبیعی و به خودی خود همه مثل همدند؛ این انسانها هستند، این اراده ها و مجاهدتهاست که يك روزی را از میان روزهای دیگر برمیکشد و آن را مشخص میکند، متمایز میکند، متفاوت میکند و مثل يك پرچمی نگه میدارد تا راهنمای دیگران باشد. روز عاشورا - دهم محرم - فی نفسه با روزهای دیگر فرقی ندارد؛ این حسین بن علی (علیه السلام) است که به این روز جان میدهد، معنا میدهد، او را تا عرش بالا میبرد؛ این مجاهدتهای یاران حسین بن علی (علیه السلام) است که به این روز، این خطورت و اهمیت را میبخشد. روز نوزدهم دی هم همین جور است، روز نهم دی امسال هم از همین قبیل است. نهم دی با دهم دی فرقی ندارد؛ این مردمند که ناگهان با يك حرکت - که آن حرکت برخاسته از همان عواملی است که نوزدهم دی قم را تشکیل داد؛ یعنی برخاسته ی از بصیرت است، از دشمن شناسی است، از وقت شناسی است، از حضور در عرصه ی مجاهدانه است - روز نهم دی را هم متمایز میکنند.

مطمئن باشید که روز نهم دی امسال هم در تاریخ ماند؛ این هم يك روز متمایزی شد. شاید به يك معنا بشود گفت که در شرائط کنونی - که شرائط غبارآلودگی فضا است - این حرکت مردم اهمیت مضاعفی داشت؛ کار بزرگی بود. هرچه انسان در اطراف این قضایا فکر میکند، دست خدای متعال را، دست قدرت را، روح ولایت را، روح حسین بن علی (علیه السلام) را می بیند. این کارها کارهائی نیست که با اراده ی امثال ما انجام بگیرد؛ این کار خداست، این دست قدرت الهی است؛ همان طور که امام در يك موقعیت حساسی - که من بارها این را نقل کرده ام - به بنده فرمودند: «من در تمام این مدت، دست قدرت الهی را در پشت این قضایا دیدم». درست دید آن مرد نافذ بابصیرت، آن مرد خدا.

در شرائط فتنه، کار دشوارتر است؛ تشخیص دشوارتر است. البته خدای متعال حجت را همیشه تمام میکند؛ هیچ وقت نمیگذارد مردم از خدای متعال طلبگار باشند و بگویند تو حجت را برای ما تمام نکردی، راهنما نفرستادی، ما از این جهت گمراه شدیم. در قرآن مکرر این معنا ذکر شده است. دست اشاره ی الهی همه جا قابل دیدن است؛ منتها چشم باز میخواهد. اگر چشم را باز نکردیم، هلال شب اول ماه را هم نخواهیم دید؛ اما هلال هست. باید چشم باز کنیم، باید نگاه کنیم، دقت کنیم، از همه ی امکاناتمان استفاده کنیم تا این حقیقت را که خدا در مقابل ما قرار داده است، ببینیم.

مهم این است که انسان این مجاهدت را بکند. این مجاهدت به نفع خود انسان است؛ خدای متعال هم در این مجاهدت به او کمک میکند. نوزدهم دی مردم قم در سال 56 از این قبیل بود، نهم دی امسال آحاد مردم کشور - که حقیقتاً این حرکت میلیونی فوق العاده ی مردم حرکت عظیمی بود - از همین قبیل است، و قضایای گوناگونی که ما در طول انقلاب از این چیزها کم نداشتیم. این مجاهدت، راه را به ما نشان میدهد.



ببینید در جنگ صفین، امیرالمؤمنین در مقابل کفار که قرار نداشت؛ جبهه‌ی مقابل امیرالمؤمنین جبهه‌ای بودند که نماز هم میخواندند، قرآن هم میخواندند، ظواهر در آنها محفوظ بود؛ خیلی سخت بود. کی باید اینجا روشنگری کند و حقائق را به مردم نشان دهد؟ بعضی‌ها حقیقتاً متزلزل میشدند. تاریخ جنگ صفین را که انسان میخواند، دلش می‌لرزد. در این صف عظیمی که امیرالمؤمنین به عنوان لشکریان راه انداخته بود و تا آن منطقه‌ی حساس - در شامات - در مقابل معاویه قرار گرفته بود، تزلزل اتفاق می‌افتاد؛ بارها این اتفاق افتاد؛ چند ماه هم قضایا طول کشید. یک وقت خبر می‌آوردند که در فلان جبهه، یک نفری شبیه‌ای برایش پیدا شده است؛ شروع کرده است به اینکه آقا ما چرا داریم می‌جنگیم؟ چه فایده دارد؟ چه، چه. اینجا اصحاب امیرالمؤمنین - یعنی در واقع اصحاب خاص و خالصی که از اول اسلام با امیرالمؤمنین همراه بودند و از امیرالمؤمنین جدا نشدند - جلو می‌افتادند؛ از جمله جناب عمار یاسر (سلام الله علیه) که مهمترین کار را ایشان میکرد. یکی از دفعات عمار یاسر - ظاهراً عمار بود - استدلال کرد. ببینید چه استدلالهائی است که انسان میتواند همیشه اینها را به عنوان استدلالهای زنده در دست داشته باشد. ایشان دید یک عده‌ای دچار شبهه شده‌اند؛ خودش را رساند آنجا، سخنرانی کرد. یکی از حرفهای او در این سخنرانی این بود که گفت: این پرچمی که شما در جبهه‌ی مقابل می‌بینید، این پرچم را من در روز احد و بدر در مقابل رسول خدا دیدم - پرچم بنی‌امیه - زیر این پرچم، همان کسانی آن روز ایستاده بودند که امروز هم ایستاده‌اند؛ معاویه و عمروعاص. در جنگ احد، هم معاویه، هم عمروعاص و دیگر سران بنی‌امیه در مقابل پیغمبر قرار داشتند؛ پرچم هم پرچم بنی‌امیه بود. گفت: اینهائی که شما می‌بینید در زیر این پرچم، آن طرف ایستاده‌اند، همینها زیر همین پرچم در مقابل پیغمبر ایستاده بودند و من این را به چشم خودم دیدم. این طرفی که امیرالمؤمنین هست، همین پرچمی که امروز امیرالمؤمنین دارد - یعنی پرچم بنی‌هاشم - آن روز هم در جنگ بدر و احد بود و همین کسانی که امروز زیرش ایستاده‌اند، یعنی علی بن ابی‌طالب و یارانش، آن روز هم زیر همین پرچم ایستاده بودند. از این علامت بهتر؟ ببینید چه علامت خوبی است. پرچم، همان پرچم جنگ احد است؛ آدمها همان آدمهایند در جبهه‌ی مقابل. فرقی این است که آن روز آنها ادعا میکردند و معترف بودند و افتخار میکردند که کافرند، امروز همانها زیر آن پرچم ادعا میکنند که مسلمانند و طرفدار قرآن و پیغمبرند؛ اما آدمها همان آدمهایند، پرچم هم همان پرچم است. خوب، اینها بصیرت است. اینقدر که ما عرض میکنیم بصیرت بصیرت، یعنی این.

از اول انقلاب و در طول سالهای متمادی، کی‌ها زیر پرچم مبارزه‌ی با امام و انقلاب ایستادند؟ آمریکا در زیر آن پرچم قرار داشت، انگلیس در زیر آن پرچم قرار داشت، مستکبرین در زیر آن پرچم قرار داشتند، مرتجعین وابسته‌ی به نظام استکبار و سلطه، همه در زیر آن پرچم مجتمع بودند؛ الان هم همین جور است. الان هم شما نگاه کنید از قبل از انتخابات سال 88، در این هفت هشت ماه تا امروز آمریکا کجا ایستاده است؟ انگلیس کجا ایستاده است؟ خبرگزاری‌های صهیونیستی کجا ایستاده‌اند؟ در داخل، جناحهای ضد دین، از توده‌ای بگیر تا سلطنت طلب، تا بقیه‌ی اقسام و انواع بی‌دین‌ها کجا ایستاده‌اند؟ یعنی همان کسانی که از اول انقلاب با انقلاب و با امام دشمنی کردند، سنگ زدند، گلوله خالی کردند، تروریسم راه انداختند. سه روز از پیروزی انقلاب در بیست و دوی بهمن گذشته بود، همین آدمها با همین اسمها آمدند جلوی اقامتگاه امام در خیابان ایران، بنا کردند شعار دادن؛ همانها الان می‌آیند توی خیابان، علیه نظام و علیه انقلاب شعار میدهند! چیزی عوض نشده. اسمشان چپ بود، پشت سرشان آمریکا بود؛ اسمشان سوسیالیست بود، لیبرال بود، آزادی طلب بود، پشت سرشان همه‌ی دستگاه‌های ارتجاع و استکبار و استبداد کوچک و بزرگ دنیا صف کشیده بودند! امروز هم همین است. اینها علامت است، اینها شاخص است؛ و مهم این است که ملت این شاخصها را میفهمد؛ این چیزی است که انسان اگر صدها بار شکر خدا را بکند، حقش را به جا نیاورده است؛ سجده‌ی شکر کنیم.

این ملت عظیم از قشرهای مختلف در سراسر کشور نگاه میکنند به صحنه، میشناسند صحنه را؛ خیلی چیز بزرگ و مهمی است. اینی که من عرض میکنم روزی که دی در تاریخ ماندگار است، به خاطر این است. مردم بیدارند؛ همین است که کشور شما را نگه داشته است عزیزان من! همین است که انقلابتان را حفظ کرده است؛ همین است که



جرأت سران استکبار را از آنها گرفته است که بخواهند به ملت ایران حمله کنند؛ میترسند. حالا در تبلیغات، زید و عمرو و بکر را میکشند جلو، بمباران تبلیغاتی میکنند؛ اما حقیقت قضیه چیز دیگری است. دشمن حقیقی آنها ملت ایران است، دشمن حقیقی آنها ایمان و بصیرت ملت ایران است، دشمن حقیقی آنها همین غیرت دینی جوانهاست که میجوشد. يك وقتی هم دندان روی جگر میگذارند، صبر هم میکنند، باید هم بکنند؛ اما يك وقت هم آنجائی که وقت حضور در صحنه است، می آیند توی صحنه.

تحلیل حوادث جاری کشورمان تحلیلی نیست که از حوادث عالم جدا باشد. حوادث عالم، حوادث منطقه، اینها به هم متصل است. بخشی هم مربوط به کشور ماست، که البته آن بخش اصلی و اساسی است. علت هم این است که استکبار لنگی کار خود را از اینجا می بیند؛ و این نشان میدهد که يك ملت و يك مجموعه ی انسانی چه نقشی میتواند ایفاء کند. اینی که امام بزرگوار ما هی خطاب میکرد به امت اسلام، با توجه به این حقیقت است. يك ملت وقتی بیدار میشود، اینجور میتواند همه ی محاسبات استکبار را به هم بریزد. کارخانه ای که آنها درست کردند، خط تولیدی که برای به ثمر رساندن اهداف استکباری خودشان به وجود آوردند، این خط تولید را بیداری يك ملت اینجور کند یا متوقف میکند. اگر همه ی ملت های مسلمان بیایند توی میدان، چه میشود! اگر همه ی ملت های مسلمان همین بصیرت را، همین آمادگی را، همین حضور را پیدا کنند، چه اتفاقی در دنیا می افتد! از این میترسند. میخواهند صدای من و شما خاموش بشود و به گوش ملت های دیگر نرسد. میخواهند کاری کنند که ملت های دیگر نفهمند تأثیر بیداری و بصیرت يك ملت در حوادث عالم چقدر است.

يك نکته را هم به جوانان عزیز انقلابی، به فرزندان عزیز انقلابی خودم، به فرزندان بسیجی - از زن و مرد - عرض بکنم: جوانان از اطراف و اکناف کشور، از آنچه که تهتك بیگانگان از ایمان دینی به گوششان میخورد یا با چشمشان می بینند، عصبانی هستند؛ وقتی می بینند روز عاشورا چگونه يك عده ای حرمت عاشورا را هتك میکنند، حرمت امام حسین را هتك میکنند، حرمت عذاران حسینی را هتك میکنند، دلهاشان به درد می آید، سینه هاشان پر میشود از خشم؛ البته خوب، طبیعی هم هست، حق هم دارند؛ ولی میخواهم عرض بکنم جوانهای عزیز مراقب باشند، مواظب باشند که هرگونه کار بی رویه ای، کمک به دشمن است. اینجا جوانها تلفن میکنند - میفهمم من، میخوانم، غالباً تلفنها و نامه ها را خلاصه میکنند، هر روز می آورند، من نگاه میکنم - می بینم همین طور جوانها گله مند، ناراحت و عصبانی؛ گاهی هم از بنده گله میکنند که چرا فلانی صبر میکند؟ چرا فلانی ملاحظه میکند؟ من عرض میکنم؛ در شرائطی که دشمن با همه ی وجود، با همه ی امکانات خود درصدد طراحی يك فتنه است و میخواهد يك بازی خطرناکی را شروع کند، باید مراقبت کرد او را در آن بازی کمک نکرد. خیلی باید با احتیاط و تدبیر و در وقت خودش با قاطعیت وارد شد. دستگاه های مسئولی وجود دارند، قانون وجود دارد؛ بر طبق قانون، بدون هیچگونه تخطی از قانون، بایستی مَرّ قانون به صورت قاطع انجام بگیرد؛ اما ورود افرادی که شأن قانونی و سمت قانونی و وظیفه ی قانونی و مسئولیت قانونی ندارند، قضایا را خراب میکند. خدای متعال به ما دستور داده است: «و لایجرمتکم شئنان قوم علی ان لاتعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی». (1) بله، يك عده ای دشمنی میکنند، يك عده ای خیانت به خرج میدهند، يك عده ای از خیانت کنندگان پشتیبانی میکنند - اینها هست - اما باید مراقب بود. اگر بدون دقت، بدون حزم، انسان وارد برخی از قضایا بشود، بی گناهی که از آنها بیزار هم هستند، لگدمال میشوند؛ این نباید اتفاق بیفتد. من برحذر میدارم جوانهای عزیز را، فرزندان عزیز انقلابی خودم را از اینکه يك حرکتی را خودسرانه انجام بدهند؛ نه، همه چیز بر روال قانون.

مسئولین کشور بحمدالله چشمشان هم باز است، می بینند؛ می بینند مردم در چه جهتی دارند حرکت میکنند. حجت بر همه تمام شده است. حرکت عظیم روز چهارشنبه ی نهم دی ماه حجت را بر همه تمام کرد. مسئولین قوه ی مجریه، مسئولین قوه ی مقننه، مسئولین قوه ی قضائیه، دستگاه های گوناگون، همه میدانند که مردم در صحنه اند و چه میخواهند. دستگاه ها باید وظائفشان را انجام بدهند؛ هم وظائفشان در مقابل آدم مفسد و اغتشاشگر و ضدانقلاب و ضدامنیت و اینها، هم وظائفشان در زمینه ی اداره ی کشور. مسائل کشور که فقط مسائل مربوط به اغتشاشگران نیست؛ کشور مسائل اقتصادی دارد، مسائل علمی دارد، مسائل سیاسی دارد، مسائل بین المللی دارد، مسائل امنیتی



دارد؛ صدها مسئله‌ی مهم پیش روی مسئولان کشور هست؛ باید اینها را انجام بدهند؛ باید کشور را مدیریت کنند؛ باید کشور را جلو ببرند. دشمن میخواهد با این حوادث، چرخهای کشور از کار بیفتد؛ نباید به دشمن کمک کرد. دشمن میخواهد با اینگونه حوادث، چرخ پیشرفت اقتصادی متوقف بشود؛ دشمن میخواهد چرخ پیشرفت علمی که بحمدالله دور برداشته است و حرکت علمی خوبی آغاز شده و رو به رشد هم هست، متوقف بشود؛ دشمن میخواهد حضور سیاسی قدرتمندانه‌ی جمهوری اسلامی در عرصه‌های بین‌المللی را که امروز از گذشته بسیار بارزتر و پر جلوه‌تر است، مخدوش کند، خراب کند با این مسائل اینجوری؛ نباید به دشمن کمک کرد. بنابراین مسئولان باید کارهای خود را در زمینه‌های اقتصادی، در زمینه‌های علمی، در زمینه‌های سیاسی، در زمینه‌های اجتماعی، در همه‌ی زمینه‌هایی که مسئولیتی دارند، وظیفه‌ای دارند، با قدرت، با قوت و با دقت انجام بدهند. همکاری‌های با دولت و مسئولین کشور هم باید ادامه پیدا کند. مردم هم که حضور خودشان را در صحنه نشان داده‌اند. بزرگترین ثروت برای یک نظام همین است که مردم پشت سرش باشند. آمدند به اصطلاح خواستند این حرکت مردمی را خراب کنند؛ گفتند راهپیمائی حکومتی! بی‌عقلها نفهمیدند که با این حرف دارند حکومت را تعریف میکنند؛ دارند از حکومت تمجید میکنند. این چه حکومتی است که در ظرف دو روز - روز عاشورا (یکشنبه) آن خباثتها را راه انداختند، روز چهارشنبه این حرکت عظیم راه افتاد - میتواند یک چنین بسیج عظیم ملی را در سرتاسر کشور بکند؟ امروز کدام کشور دیگر، کدام حکومت دیگر چنین قدرتی دارد؟ قوی‌ترین حکومت‌های دنیا و ثروتمندترینشان - که ولخرجی‌های زیادی هم برای جاسوس پروری و خرابکاری و تروریست پروری دارند - اگر همه‌ی تلاششان را هم بکنند، نمیتوانند ظرف دو روز، صد هزار نفر آدم را بیاورند توی خیابانهای شهرشان یا کشورشان. چند ده میلیون انسان در سرتاسر کشور بیایند! اگر به دستور حکومت آمده باشند، این خیلی حکومت مقتدری است؛ پس خیلی حکومت قوی‌ای است که اینجور امکان بسیج را دارد. اما حقیقت غیر از این است؛ حقیقت این است که در کشور ما حکومت و مردمی وجود ندارد - همه یکی‌اند - مسئولین حکومت، از شخص حقیر این بنده گرفته تا دیگران، هر کدام قطره‌هایی هستیم در اقیانوس عظیم این ملت.

رحمت خداوند بر روان پاک امام بزرگوارمان که سلسله‌جنبان این حرکت عظیم، او بود؛ و رحمت خداوند بر روان پاک شهدای عزیزمان که آنها بودند که پیشروان و سابقون این حرکت عظیم بودند، که «و السابقون السابقون. اولئك المقربون»؛ (2) اینها هستند که راه را باز کردند، هموار کردند؛ و رحمت خدا بر شما مردم عزیز، بر شما جوانان عزیز، که اینجور بصیرت و آمادگی را از خودتان نشان میدهند و دشمن را از دست اندازی به کشورتان و نظامتان و انقلابتان مأیوس میکنند. خداوند ان شاءالله یار و نگهدار شما باشد.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته

(1) مائده: 8؛ «... و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید؛ عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است...»

(2) واقعه: 10 و 11؛ «و سبقت گیرندگان مقدمند. آنانند همان مقربان [خدا]»